پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره سی و نهم دوشنبه ۱۸ قوس ۱۳۴۷ ۹ دسمبر ۱۹۶۸

خلق:

- مدافع واقعی مصالح ملی، استقلال ملی، آزادی ملی، حاکمیت ملی؛
- آفریننده ثروت ملی، تولید ملی، عاید ملی، اقتصاد ملی، فرهنگ ملی، سنن و عنعنات عالیه ملی، شخصیت‌ها و قهرمانان ملی؛
- پاسدار صلح، دموکراسی، ترقی اجتماعی؛

و دوستدار بشریت مترقیست.

م.ا.خیبر

زموژ په هیواد کی د بشر د حقوقو

د اعلامی د ورځی لمانځه(!)

رادیو افغانستان یو خبر خپورکړ چه وایی د ملګرو ملتو عمومی اسامبلی ددسمبر لسمه ورځد بشر د حقوقو د اعلامی دورځی په حیث اعلان کړو اودا ورځ په ټولو هیوادونو کی دافغانستان په ګډون تر همدی عنوان لاندی ولمانځل شی.

د بشر دحقوقو د اعلامییی د احترام او دهغی په لمانځنه کی د برخی اخیستلو په خاطر پخپل هیواد کی د بشر دحقوقو د وضعی په هکله څو خبری وړاندی کوو.

زموژ په هیواد کی چه دفقر، استبداد جهل او ناروغی په اور کی سږځی او په سلو کی د هغه ۹۵ خلک د ژوند له لومړنیو وسایلو نه لکه ډوډی، جامی، کور، صحت او سواد بی برخی دي، هر کال د بشر دحقوقو په نوم یوه ورځ لمانځل کیږی. ورځپانی، جریدی، مجلی، او رادیو په همدی مناسبت طمطراقی مقالی او مضامین خپروی. دلمانځنی او خوشی کنفرانسونه او کنسرتونه جوړیږی او دا وضعه شیه گوا کی زموژ هیواد یواځنی هیواد دی چه د بشردحقوقو اعلامیه هم د لفظ او هم د معنی په احاظ په هغه کی تطبیق کیږی، د هیواد ټول وګړی بی له تبعیضه نه ټولو حقوقو او مدنی آزادیو ته بر خوردار دی او پدی ټولنه کی د استثمار، استبداد، بیعدالتی او نابرابری هیڅ نښه نشته ده. مګر په کلیو او شارونوکی دخلکو دژوندغمجنی تابلو ته یو نظر واچول شی. په ښکاره لیدل کیږی چه د خلکو ددی بد مرغئ مسؤلین سعی کوی د هیواد دخلکو د ترخه ژوند واقعیت د غیر واقعی خپرونو او مبالغه آمیزو وینا ووپه ذریعه له نړیوالو ته پت کاندی او د بشر د حقوقو د اعلامیی د موادو په تطبیق کی په خپله ناکامی باندی پرده واچوی. مګر دا واقعیت دیر بربنډ دیاو نشی کیدای ددرواغجنو تبلیغاتو په ذریعه یی دچا له سترګو پت کاندی. واقیعت شاهدی وایی چه زموژ په طبقاتی ټولنه کی، لکه هره بله طبقاتی ټولنه، د هیواد خلکو ستر اکثریت د یو امتیاز لرونکی اقلیت له خوا په دیره بیرحمانه توګه استثماریژی. دفقر او غنا توپیر ورځ تر ورځی زیاتیژی. د حقوقو او آزادیو، انسانی فضیلت او کرامت په برخه کی د امتیاز لرونکو طبقاتونه پرته، دنورو له پاره هیڅ برخه نشته دخلکو د ژوند په برخه کی داسی هیڅ ځانګه نشته چی په هغی کی د تبعیض تور سیاست موجود نه وی.اجتماعی بیعدالتی او د حقوقو نا برابری، فشار او ظلم د خلکو د اجتماعی ژوند په اعماقو کی نفوذ کړی دی. مص، نیت نشته دی، ویری او عدم اطمینان ټول ځایون نیولی دی. تملق او غوړمالی، دسیسی او توطٔیئ د اهلیت او لیاقت ځای نیولی دی. د خلکو معنوی او اخلاقی ژوند لکه د هغو مادی ژوند له پخوانه زیات مخ په لویدو دی. لنده دا چه د خلکو ستر اکثریت کار کوی او ربړ کالی ترځو د طفیلی او د هیواد پر مقدرانو باندی د کوچنی حاکم اقلیت، د عیاشی، نیکمرغیاو تجمل وسایل برابر کاندی او پخپله په ذلت، فقر او په نهایت توهین اد سپکاوی کی ژوند وکړی او مړه شی. په زیار ایستونکو طبقاتو پوری د مربوطو ما شومانو زیاته فیصدی پخوا تردی چه دځوانی عمر ته ورسیژی د غذایی فقر او د ژوند دخرابوشرایطو له کبله له مینځه ځی او هغه برخه یی چه ژوندی پاته کیږی د فقر او لاس تنګی له سببه تحصیل او تعلیم نشی کولی. د هیواد ملیونونه وګړی د منځنیو پیړیو په دود په طبیعی غارونو، سمځو او

(۲ مخ)

اعترافات صدراعظم و وزرای افغانستان

بیشتر از یک سال از حکومت شاغلی اعتمادی می‌گذرد. طی این مدت رئیس و اعضای حکومت در موارد مختلف، در بارهٔ عقب ماندگی تاریخی کشور، در بارهٔ کندی رشد تولیدی، در بارهٔ وضع نابسامان و پراگندهٔ مالی، اداری و فرهنگی افغانستان ودر نهایت در پیرامون رنج‌ها و مسایل عمومی ملی با اشاره و کنایه، مستقیم و غیرمستقیم سخن میگویند و اعترافات سریع و روشنی را ثبت تاریخ پرهیجان معاصر مردم افغانستان نموده‌اند. برای آنکه زمینه‌های بحث علمی و ارزیابی واقع‌بینانه و انتقاد صحیح مهیا شده باشد و وطن‌پرستان قضاوت‌ها و تبصره‌های خود را بر مبنای مصالحه ملی، روی این بیانات و اعترافات حکومت بنمایند، اینک بخشی از بیانات و اعترافات مستند و تاریخی رییس و اعضای حکومت به ترتیب تاریخ ایراد آن و نقل می‌نماییم و قبل ازین که قضاوت‌ها و تبصره‌های خود را روی این‌همه اعترافات در پرچم به نشر بسپاریم تا مردم به‌کندی رشد و عقب ماندگی تاریخی و علل و عوامل آن پی برند و هدف‌های مشخص نجات‌بخش ملی و اجتماعی را در میان گزارند و برای تغیر و دگرگونی وضع موجود و ایجاد تحول بنیادی در کشور دست بکار شوند، در برابر هر اعتراف حکومت سؤال‌هایی طرح می‌نماییم تا هموطنان ما بتوانند با تعمیم بیشتر آن، علل عدم توانائی حکومت‌های افغانستان را در اجرای امور (باوجود اعترافات شان) به‌خوبی متوجه شوند.

شاغلی اعتمادی صدر اعظم افغانستان در خط مشی خود می‌گوید:

- «... همچنان آیندهٔ وطن ما را نگران می‌سازد که نسل‌های خلف، ما را از روی مسؤولیت تاریخی امروز ما را چگونه مورد قضاوت قرار خواهند داد ما همه درین زمان مقابل توقعات آرزوها و نیازمندی‌های قاطبهٔ ملت افغانستان قرار داریم»

سؤال: پس چرا برای رفع نیازمندی‌های قاطبهٔ ملت افغانستان اقدام اساسی صورت نمی‌گیرد؟

- «از یکطرف احتیاجات مردمانی که آرزومند کسب حد اقل وسایل زندگی امروز و مصئون بودن حقوق شان از هر نوع تجاوزند به‌خوبی می‌شناسیم. همچنین مستشعریم در مقابل آن‌همه توقعات جوانان، روشنفکران و منورین کشور قرار داریم که برای اعتلای افغانستان عزیز آرزوهای پیشرفت‌های دارند»

سؤال: توجه کنید آیا به‌صورت ضمنی اعتراف نمی‌شود که مردم ما از حد اقل وسایل زندگی برخوردار نیستند و در برابر تجاوز مصئونیتی ندارند؟

- «...مسلم است که مردم، مطابق

(ص ۴)

آمو

ماسک‌ها از چهره‌های سیاه می‌افتد!

و مارک‌ها نمایان می‌شود!

جنبش ۲۴ روزهٔ محصلان کشور مرحله نوینی را در تاریخ جنبش خلق وطن ما آغاز نهاد، توطئه‌ای که این بار با مداخله علنی عناصر سیاه ارتجاع داخلی و عمال اجنبی به شیوه فاشیست‌های هیتلری و اخوانیان و مسلم لیکی‌ها تدارک و دنبال گردیده بود، خنثی شد و از جریان عظیم تظاهرات محصلان تجرید شدند و به هدف شوم تفرقه افگنی و فتنه انگیزی خود که ضد مصالح ملی و ضد منافع افغانستان است، نرسیدند.

ارتجاع سیاه داخلی و خارجی با استفاده از فرست می‌خواستند علیه سنگرهای آزادی، علیه پرچمداران وطن‌پرست خلق افغانستان یورش برند و برای اجرای این امر از تمام عناصر مرتجع، جاسوسان چاقو کشان، فاشیست‌های وطنی، اخوانیان، مسلم لیکیان وطنی و ماجراجویان، اتحاد سیاسی را تشکیل داده بودند، ولی در برابر سیل عظیم جوانان وطن‌پرست، ملی، دموکراتیک و ترقی‌خواه مواجه گردیدند؛ و با مدافعین مرتجع خود، چون پر کاهی از سر راه جنبش آزادی‌بخش ملی خلق افغانستان به دور انداخته شدند.

هرگاه در گذشته شیوه حاکم در دستگاه حاکمه علیه مبارزات رهائی‌بخش خلق افغانستان چوبه دار، ترور و آدمکشی، غل و زنجیر بود. ولی اکنون شیوه فتنه انگیزی و تحریک سیاه‌ترین نیروهای ارتجاعی زیر مزورانه و ریاکارانه‌ای به نام »دین، ناسیونالیزم و غیره «و همچنان استعمال ده‌ها اصطلاح شریف به شکل فریبنده‌یی علیه صدیق‌ترین عناصر ملی، وطن‌پرست‌ترین فرزندان خلق و دموکراتیک‌ترین و ترقی‌خواه‌ترین مدافعان وطن بکار برده می‌شود.

سیاست حیله و تزویر و تظاهر ریاکارانه این نیروهای سیاه ارتجاعی زیر نام دروغین دفاع از «دین»، ملیت، وطن و حتی «دموکراسی، عدالت اجتماعی، سوسیال دموکرات و منافع ملت افغانستان» نمونه‌هایی از دسایس و توطئه ارتجاع داخلی و هواداران امپریالیزم بین‌المللی است که در تاریخ مبارزات آزادی‌بخش ملی ما، چه در دوره مشروطیت «اول» و چه در نهضت امانی و چه در نهضت‌های بعد از آن تا کنون به‌کرات دیده شده است. این امر قابل توجه است که هم اکنون مرتجعین وطنی مانند مرتجع‌ترین قشر حاکمه، این هواداران ارتجاع بین‌المللی به‌عین وسایل، به‌عین شیوه و تبلیغات علیه بهترین فرزندان خلق پشتونستان و بلوچستان دست بکار اند. این مرتجعان وطنی و دشمنان خلق در حقیقت آب به آسیاب دشمن می‌ریزند.

اکنون به بینیم که هدف این تبلیغات دشمنان خلق افغانستان چیست: مسأله مرکزی و حاد مبارزات کنونی ما، درین مرحله تاریخی حل عمده‌ترین تضاد جامعهٔ ما یعنی تضاد بین طبقه حاکم فئودالی و توده‌های عظیم دهقانان کشور و تضاد بین امپریالیزم و عمال و مدافعین آن از یکسو و خلق افغانستان و طبقات و قشرهای دموکراتیک ملی از سوی دیگر است. حل این تضاد به نفع نیروهای دموکراتیک ملی. طبعاً بستگی نزدیکی با اتحاد نیروهای مزبور در جامعه دارد. یک نگاه به تاریخ گذشته مبارزات نجات بخش ملی بما نشان می‌دهد که ارتجاع، استبداد و استعمار غالباً کامیابی خود را مدیون ایجاد تفرقه، نفاق، تشتت و اختلاف در صفوف نیروهای صدیق ملی و وطن‌پرست می‌دانند. ارتجاع کهنه کار داخلی و خارجی به این رمز آگاه است و خطر اتحاد این نیروها را برای خود خوب تشخیص داده است. نیرو اتحاد و مبارزه را می‌شناسد. به همین جهت اکنون کوشش می‌کند که گاهی به‌وسیله تحریک فعالیت چپروانه و ماجراجویانه از طرف منحرفین «چپ» و گاهی به‌وسیله تحریک نیروهای سیاه ارتجاعی ماورای راست بنام «ملیت و دین» به مرکز اصیل نیروهای جنبش آزادی‌بخش ملی خلق افغانستان، این پرچمداران دلیر و وطن‌پرست حمله کند و تبلیغات نادرست را به راه اندازد و اتحاد را از میان بردارد. ولی این نیروهای سیاه ارتجاعی امپریالیزم بین‌المللی هر «مارکی» را که می‌پذیرند هم اکنون واقعیت غیر ملی بودن و مرتجع بودن آن‌ها در میان مردم افغانستان برملا شده است و هر روز ماسک‌ها از چهره‌های سیاه شان میافتد و هر گودال و سیاه چاهی را برای آزادیخواه هان وطن‌پرست و مترقی کشور می‌خواهند حفر کنند، فردا خود در آن سقوط خواهند کرد!

کاوه

پرچم وطن و وطن‌پرستان

دموکراتیک خلق افغانستان بر افراشته باد!

تیوری مترقی و پیشرو عصر ما و وطن‌پرست را در داخل اجتماع و واقعیت‌های اجتماعی مطالعه می‌کند، وطن و وطن‌پرستی مقوله‌های تاریخی و اجتماعی‌اند که مضمون و جوهر آن را شرایط معین تاریخی جامعه تعیین می‌کند بدین ترتیب «سرزمین» و «سکنه» و پیوند تاریخی آن دو با یک دیگر محتوی عینی دارد. دفاع از منافع عمومی سکنه در چوکات این سرزمین، مضمون عمومی وطن‌پرستی و تحول و تکامل آن‌ها در طول تاریخ، خصلت تاریخی مفاهیم وطن و وطن‌پرستی را تشکیل می‌دهد.

قرن‌هاست که هموطنان زحمتکش و آزادهٔ ما در سر زمین ملی ما افغانستان زندگی می‌کنند و از آن در مقابل تاخت‌وتازها و اشغالگران خارجی دفاع نموده و در حفظ وطن خون‌ها ریخته‌اند. علاقه آتشین پرچمداران ترقی خواه دموکراتیک خلق به این سر زمین و وطن که «محیط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی معین» شان و محصول و میراث پرارزش چند هزار سالهٔ پدران و نیاکان ماست، جدا نمی‌باشد. در شرایط کنونی جهان که امپریالیزم بین‌المللی هر روز کوشش می‌کند ملل عقب مانده آسیا، افریقا و امریکای لاتین را به زنجیر اسارت نگه دارد، منافع ملی نزد پرچمداران خلق وطن افغانستان در عالی‌ترین شکل خود به‌صورت مبارزه برای استقلال ملی، دفاع از حاکمیت ملی و آزادی ملی و دموکراسی ملی تظاهر می‌کند. استقلال و آزادی ملی در نزد ترقی خواهان دموکراتیک خلق افغانستان به معنی آزادی ملی و وطن در حل تمام مسایل مربوط به حیات داخلی و روابط خارجی خود با ملل کوچک و بزرگ دیگر جهان، اعم از شرق و غرب است. وطن‌پرستی و دفاع از منافع ملی با دفاع ازین حقوق مسلم ملی ارتباط عمیق و ناگسستنی دارد.

هرگاه به تاریخ کشور ما توجهٔ وطن‌پرستانه (نه از روی تعصب مسلکی) مبذول گردد دیده خواهد

(ص ۳)

دستگیر پنجشیری

رد شایعات زهرآگین

رادیو پاکستان

رادیو پاکستان در سرویس دری شب چهارشنبه ۱۳ قوس خود راجع به مقاله من تحت عنوان (د هیواد زړه ور بلوچان) منتشره در جریده پرچم در باره وضع زندگی مردم دلیر بلوچ افغانستان تبصره پروپاگندی تفتیش آمیز غرض آلودی پخش نمود. چون این همه نشرات حکومت ارتجاعی پاکستان با منافع خلق وطن‌پرست بلوچ افغانستان و با مصالح عالیهٔ کلیه مردم افغانستان و حق تعیین سرنوشت بلوچ‌های آن‌طرف خط جعلی و استعماری دیورند از ریشه در تضاد است و به‌شیوه دسیسه‌آمیز صداهای آزادی‌خواهان بلوچ و پښتون‌های غیور ماورای خط تحمیلی دیورند را مغشوش می‌سازد و هدف آن معطوف ساختن ذهن خلق‌های رزمنده بلوچ از زندگی اسارت بار و غم‌انگیزشان به خارج می‌باشد که در نتیجه استعمار پاکستان به‌سر می‌برند تا به قول سعدی سخنور مشهور مشرق‌زمین (قدر عافیت) در تحت اسار پاکستان را بدانند؛ و از پیکار مقدس خویش علیه تسلط استعماری پاکستان بردارند و از سلاح خود

(ص ۳)

از آثار مترقی

تئوری علمی تکامل اجتماعی

-۶-

تاریخ جامعه به حیث تاریخ تکامل شیوه‌های تولید

و تعویض حتمی یک شیوهٔ تولید به شیوهٔ دیگر

-۲-

جامعهٔ بردگی:

در جامعه بردگی رشد نیروهای تولید ادامه میابد، افزار چوبین و سنگی برای همیشه جای خود را به افزار فلزی، ابتدا مسی و برنجی و سپس آهنی وامی‌گذارد. استفاده از افزار فلزی حاصل دهی کار را در زراعت بالا می‌برد. در کنار کشت غله جات، باغبانی پیدا می‌شود. برای آبیاری زمین، جوی‌ها و آبگیرها و برای آرد کردن غله جات آسیاب‌ها ساخته می‌شود. استخراج معادن توسعه می‌یابد که در آن کار دستی به کمک افزار بسیار ساده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جریان تقسیم کار همچنان ادامه می‌یابد. در تولید پیشه‌وری رشته‌های مختلفی مانند فلز کاری، اسلحه سازی، تهیه لباس و کفش، نساجی و دباغی و غیره ظهور می‌کند. امور ساختمانی، کشتی سازی، و تکنیک نظامی توسعه اختیار می‌نماید. شهرها به وجود می‌آید و تجارت وسعت می‌یابد.

اساس مناسبات تولید جامعهٔ بردگی عبارت است از مالکیت برده دار بر وسایل تولید و برخورد برده و همچنین بر محصولاتی که بردگان تولید می‌کنند، برده دار فقط آن اندازه به برده سهم می‌دهد که از گرسنگی نمیرد.

بدین ترتیب در جامعهٔ بردگی مناسباتی برقرار گردید خاکی از تابعیت اکثریت جامعه از اقلیت و استثمار بی‌رحمانه معدودی برده دار از تودهٔ بردگان که از هر گونه حقی محروم بودند. این مناسبات تا مدتی با رشد نیروهای تولید کمک کرد. ولی بعد به مانعی جدی در راه تکامل تولید اجتماعی تبدیل شد. تولید ایجاب می‌کرد که افزارهای کار به‌طور مداوم تکمیل گردد، حاصل دهی کار بالا رود، ولی برده به این کار علاقهٔ نشان نمی‌داد، زیرا به هیچ وجه در بهبود وضع او مؤثر نمی‌افتاد. خود برده که نیروی عمدهٔ تولید بود در شرایط استثمار غیرانسانی، هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ روحی، دچار انحطاط و رخوت بود.

با گزشت زمان تضاد میان نیروهای تولید و مناسبات تولید به حد خود رسید. مظاهر این تضاد همان قیام بردگان بود. قیام بردگان همراه با هجوم قبایل مجاور اساس نظام برگی را درهم ریخت و بر خرابه‌های آن جامعهٔ نوینی که همانا جامعهٔ فئودالی باشد. بر پا گردید.

جامعهٔ فئودالی:

تکامل نیروهای تولید در جامعهٔ فئودالی ادامه یافت. در همین دوران انسان از نیروی باد و آب به میزان وسیع کمک گرفت و آسیاب‌های بادی و آبی و کشتی‌های بادبانی و غیره را ساخت. از چدن، آهن بدست آورد، باروت، کاغذ و چاپ را اختراع کرد. همچنان انسان به کشفیات دیگری نیز موفق گردید؛ که در تاریخ بشریت نقش مهمی را ایفاء کردند.

پیشه‌وری بیشتر انکشاف کرد. افزارها و میکانیزم های جدید و کامل‌تری به وجود آمد. به‌خصوص در تولید منسوجات پیشرفت‌های بیشتری رخ داد. در امور پیشه‌وری رشته‌های تخصصی پیدا شد که تا حدود زیادی در ارتقای حاصل دهی کار کمک رساند. با رشد پیشه‌وری و تجارت شهرها توسعه یافتند و برخی از آن‌ها به مراکز جهانی پیشه‌وری و تجارت مبدل شدند زراعت و مالداری نیز رشد یافت.

رشد نیروهای تولید نتیجهٔ مناسبات تولید فئودالی بود. اساس این مناسبات را مالکیت فئودالی بر وسایل تولید و قبل از همه چیز بر زمین و همچنین مالکیت غیر کامل بر رعیت (سرف) تشکیل می‌داد. به این معنی که اگر فئودال حق داشت رعیت را مجبور سازد که برای او کار کند، رعیت را بخرد یا بفروشد، ولی زندگی رعیت به فئودال تعلق نداشت. بدیهی است مناسبات تولید، مناسبات تابع و متبوع، مناسبات استثمار رعایا (سرف‌ها) از جانب فئودال‌هاست. معذلک این مناسبات نسبت به مناسبات تولید جامعهٔ بردگی مناسباتی مترقی بود زیرا زحمتکشان را بکار خود علاقه‌مند می‌ساخت رعایا (دهقانان) و پیشه‌وران برای خود تولیدی داشتند چه پس از انجام کارهای زیادی که فئودال به آن‌ها تحمیل می‌کرد. برای خود کار می‌کردند و به همین جهت آن‌ها به تکمیل افزارها و بهبود طرق زراعت و پیشه‌وری علاقه نشان می‌دادند.

اکتشافات جغرافیایی اواخر قرن پانزدهم و آغاز قرن شانزدهم تکان شدیدی به رشد نیروهای تولید داد. بازار جهانی به وجود آمد، تقاضا برای اجناس مختلف افزایش یافت، اما تولید پیشه‌وری دیگر قادر به بر آوردن آن نبود. در نتیجه کارهای پیشه‌وری جای خود را به مانوفاکتور داد. در مانوفاکتور تعداد زیاد کار گر کار می‌کردند که هر کدام به کار خاصی می‌پرداختند. در نتیجه این تقسیم کار، حاصل دهی کار بالا رفت.

پیدایش مانوفاکتور به این معنی است که در درون جامعهٔ فئودالی، شیوهٔ تولید جدیدی که همان تولید سرمایه‌داری است، پدید می‌آید و همراه با آن طبقات متضاد سرمایه دار و کارگر ظهور می‌کنند.

پیدایش مانوفاکتور که نشانه رشد نیروهای تولید بود به تضاد میان نیروهای تولید و مناسبات تولید فئودالی انجامید. مانوفاکتور ایجاب می‌کرد که کارگر آزاد باشد ولی فئودالیزم دهقانان را به زمین وابسته ساخته بود.

برای مانوفاکتور بازار وسیع جهانی لازم بود، ولی سرحد بندی فئودالی و اقتصاد طبیعی مانع ایجاد چنین بازاری می‌گردید لازم گردید مناسبات تولید فئودالی جای خود را به مناسبات تولید سرمایه داری واگذارد. این تعویض از راه انقلاب‌های بورژوائی عملی گردید که نیروی مبارز عمدهٔ آن‌ها سرف‌ها (دهقانان وابسته به زمین) و زحمتکشان شهرها بودند و بورژوازی آنان را رهبری می‌نمود.

(باقی دارد)

آسمائی

حقوق اقتصادی و اجتماعی کارگران

۱

اتحادیه‌ها یا سندیکاهای کارگری

اتحادیه یا سندیکا عبارت از سازمان توده‌ای و یکی از اشکال سازمانی طبقه کارگر و زحمتکشان است که می‌توان شامل تمام کارگران و مزد بیکران بر حسب رشته‌های مختلف گردد. اتحادی ارتباط بین طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش را تأمین می‌نماید.

برای تشکیل و تکامل اتحادیه‌های کارگری شرایط مشخص عینی لازم است. کارگران در جریان مبارزه علیه سرمایه داران به این نتیجه می‌رسند که باید تمام نیروهای خود را یکجا متحد سازند و به‌صورت متشکل مبارزه را آغاز کنند. جهت تشکل کارگران در اتحادیه‌ها سه شرط اساسی ضروری می‌باشد:

(۱) پیدایش فابریکات و مؤسسات تولیدی بزرگ که در طول جریان سال کار کنند.

با ایجاد کارخانه‌های بزرگ و کار مداوم طبقه جدید کارگر به وجود می‌آید که فاقد هرگونه وسایل بوده و روابط خود را با دهات قطع می‌نمایند، (۲) نزدیکی و تماس مداوم میان کارگران در یک محل معین، چنین ارتباط و تماس دائم موجب آن می‌گردد که کارگران به مشکلات و نیازمندی‌های همدیگر آشنا گردیده و به‌صورت جمعی تصمیم بگیرند، مشترکاً عمل نمایند و متحداً علیه ستم سرمایه داران قیام کنند. (۳) نقل و انتقال دایمی کارگران از یک محل به محل دیگر و از یک فابریکه به فابریک دیگری. چنین وضعی که بیشتر در مواقع بحران و بیکاری صورت می‌گیرد، متدرجاً کارگران را به این نتیجه می‌رساند که نظام سرمایه داری در همه جا توأم با ستم و استثمار است.

در اثر این شرایط تدریجاً افکار کارگران عوض گردیده و روحیهٔ تازه‌یی برای همدردی، همبستگی و وحدت عمل بین آنان به وجود می‌آید که زمینه را برای ایجاد اتحادیه‌های کارگری فراهم می‌آورد.

قبل از آنکه راجع به ضرورت تشکیل اتحادیه‌های کارگری در افغانستان به پردازیم درین جا به‌اختصار کامل به تاریخچه نهضت و پیدایش نخستین سندیکاهای کارگری در بعضی از کشورهای قدیم سرمایه داری اشاره می‌گردد:

در انگلستان: درین کشور قبل از هر کشور دیگر اروپایی رشد سرمایه داری آغاز و در اواسط قرن ۱۸ شرایط لازم برای انقلاب صنعتی فراهم گردید و در اثر آن صنایع ماشینی در آن کشور وسیعاً به وجود آمد. بالنتیجه طبقهٔ کارگر انگلستان در زمان بالنسبه کوتاهی به وجود آمد و از همان ابتدای امر مورد استثمار وحشیانه سرمایه داران قرار گرفت که این امر کارگران را در راه بهبود وضع زندگی‌شان کشانید.

مبارزه کارگران در ابتدا به شکل قیام‌ها و اعمال خود سرانه و غیر متشکل علیه ماشین و سرمایه داری به عمل می‌آمد که ماشین‌ها را می‌شکستند و استاد کاران و سرمایه داران را می‌کشتند. این عصیان‌ها و قیام‌ها نتیجهٔ استثمار وحشیانه‌ای بود که کارگران را به عکس‌العمل وامی‌داشت.

برای نخستین بار اتحادیه کارگری بافندگان در سال ۱۷۹۲ در انگلستان تشکیل گردید. کار این اتحادیه در ابتدا تشکیل صندوق کمک متقابل بود که تدریجاً رهبری اعتصاب‌ها را نیز به عهده گرفت و سپس اتحادیه‌های دیگری به وجود آمد. اتحادیه‌های کارگری (تریدیونیون ها) انگلستان در اواخر قرن ۱۸ فقط کارگران متخصص را به عضویت قبول می‌کردند تا اینکه در اوایل قرن نزدهم در اثر مبارزات سرسختانه کارگران، قوانین ضد کارگری لغو گردید و نهضت سندیکائی رشد و توسعهٔ بیشتری پیدا کرد. تعداد اعضای اتحادیه‌ها به‌سرعت فزونی گرفت که نه تنها پس از آن کارگران متخصص بلکه کارگران غیرمتخصص نیز به اتحادیه‌ها پذیرفته می‌شدند. در ایجاد اتحادیهٔ بزرگ ملی را بر تآون سوسیالیست تخیلی مشهور نیز نقش فعال بازی کرد. بعداً نهضت چارتیزم (عریضه نگاری جمعی) طی دو مرحله آغاز و در نیمه قرن نزدهم تدریجاً از بین رفت.

به‌منظور پیروزی در مبارزه اعتصابی و عملی شدن خواست‌های کارگران، تریدیونیون ها بهم نزدیکتر گردیده و کنگره تریدیونیون های بریتانیا در سال ۶۰ قرن نزدهم به وجود آمد که تا کنون نیز همه ساله در اولین هفته سپتامبر این کنگره تشکیل می‌شود.

هرچند که اتحادیه‌های کارگری بریتانیا بیشتر تحت تأثیر ریفورمیست‌ها قرار دارد و همچنین بنا بر موجودیت قشری از کارگران صاحب امتیاز (به‌اصطلاح ارستوکراسی کارگری) اپورتونیسم در اتحادیه‌ها عمومیت دارد و اما به‌صورت کلی نهضت سندیکائی در انگلستان موجب گردید که تا حدود زیادی همبستگی سازمانی کارگران انگلستان تأمین گردد.

در فرانسه: پس از پیروزی انقلاب بورژوازی در فرانسه (انقلاب کبیر فرانسه—۱۷۸۹) راه برای بسط مناسبات سرمایه داری هموار گردید. با رشد سرمایه داری و کارخانه‌های ماشینی تعداد کارگر فرانسه نیز افزایش یافت و تدریجاً

(ص ۳)

از (ص اول)

پرچم وطن و وطن‌پرستان دموکراتیک ...

شد که استقلال سیاسی و اقتصادی وطن ما همیشه از طریق امپریالیست‌های کشورهای سرمایه داری و هواداران آن به‌خصوص انگلستان ودر شرایط کنونی امپریالیزم امریکا در وجود پکت‌های تجاوز کارانهٔ سنتو و سیاتو و نفوذ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در همجواری کشور ما، پاکستان و ایران و هواداران و عمال داخلی آن در کشور تهدید و تحدید گردیده است. نمونه‌های فراوانی ازین حقایق و واقعیت‌ها در شئون مختلف کشور ما مشهود بوده و هست. کسانی که چشم بینای وطن‌پرستی ندارند و سعی می‌کنند تا توجه خلق افغانستان را به‌سوی دیگری معطوف نمایند، در حقیقت عمال و مدافعین همان اشغالگران و اشغالگران غربند که فهمیده یا نفهمیده ضد منافع وطن عمل می‌کنند و ماهرانه و مزورانه در زیر نام مقدس «وطن و ملت» کوشش می‌کنند که افغانستان را به زائیده سیاسی، اقتصادی و ایدیولوژیکی استعمار و امپریالیزم کشورهای سرمایه داری است، تبدیل نمایند.

یک سؤال مهم: کدام طبقات و قشرها در جامعهٔ ملی ما وطن‌پرست‌اند و محرک وطن‌پرستی آن‌ها چیست؟ واضح است که جامعهٔ ما یک جامعهٔ نیمه فئودالی و تحت نفوذ مادی و معنوی استعمار نوین است. طبقات جامعهٔ ما عبارتند از کارگران، دهقانان، مالکین بزرگ ارضی، بورژوازی بزرگ کمپرادور و بورژوازی متوسط «ملی» بورژوازی کوچک، پیشه‌وران، علاوه برین قشرهایی نیز وجود دارند که باوجود تعلقات طبقاتی بین خود دارای صفات مشترکی نیز می‌باشد، مانند روشنفکران که مشتمل بر محصلان، مأموران، مهندسان، انجنیران، دوکتوران، حقوقدانان، استادان و غیره است.

خواست‌های این طبقات و نیروهای سیاسی (احزاب و جمعیت‌ها) متعلق به آن‌ها ارتباط به این مسأله دارد که آیا منافع طبقاتی و سیاسی آنان با مصالح ملی، آزادی، استقلال سیاسی و اقتصادی و دموکراسی این اهداف کنونی جامعه ما، مطابقت می‌کند یا نه. درینجاست که طبقات اقشار و نیروهای اجتماعی و سیاسی کشور ما به طبقات و نیروهای دموکراتیک و ملی (خلق) و ضد دموکراتیک و ضد ملی (دشمن خلق) تقسیم می‌شوند.

آن طبقات و نیروهای سیاسی که در مسأله منافع ملی و آزادی و استقلال ملی و دموکراسی ذینفع‌اند، طبقات، قشرها و نیروی دموکراتیک و ملی یا **مفهوم خلق** را تشکیل می‌دهند. برعکس آن‌هایی که پیوند با منافع ملی، استقلال ملی و دموکراسی ندارند، به طبقات ضد دموکراتیک و ضد ملی و سخنگویان ارتجاع سیاه داخلی و خارجی تعلق می‌گیرند. این نیروهای سیاه برای بقای خود و ضد منافع خلق عمل می‌کنند. به همین جهت این طبقات و جریانات ضد ملی و بنام دشمنان خلق یاد می‌شوند.

طبقات دموکراتیک و ملی در وطن ما عبارتند از کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی متوسط (ملی) و روشنفکران وطن‌پرست. طبقات ضد دموکراتیک و ضد ملی (دشمنان خلق) که تکیه گاه ارتجاع امپریالیزم بین‌المللی و انحصارات کشورهای سرمایه داری در وطن بوده و محتوی طبقاتی دستگاه حاکمه کنونی و وطن خواهان و ملت خواهان دروغین ماسک دار را تشکیل می‌دهند، عبارتند از طبقهٔ ملاکین بزرگ ارضی، قشر کمپرادور بورژوازی و قشر بیروکرات‌های بزرگ رشوه ستان.

گروه اول و نیروهای سیاسی مربوط به آن‌ها فرزندان صدیق خلق، وطن‌پرستان دلیر کشور، پرچمداران استوار آزادی و استقلال ملی و دموکراسی هستند. برعکس گروه دوم پسران ناخلفی هستند که «مادروطن» را با دشمنان معامله می‌کنند و برای آسایش چند روزهٔ خود، خلق‌ها را تحت یوغ ستم می‌کشند و هستی هموطنان را به تاراج دشمن می‌دهند.

گروه اولی وطن‌پرستان و گروه دومی دشمنان وطن‌اند!

پس برافراشته باد پرچم وطن و وطن‌پرستان دموکراتیک خلق افغانستان!

(د لومړی مخ پاتې)

زموږ په هیواد کی د بشر...

کیژدیو کی اوسیژی اد له هغه ژوند نه چهداوسنی انسان وړدی، محروم دی. بزګران چه دهیواد دمحرومو خلکو اکثریت دی به نهایت درجه وشیانه توګه دفئودال ملاکانو سود خورو، فاسدو مامورانو او ظالمو بوکراتانوله خوا استثماریژی او ملایی دظلم، استثمار، اجباری کار او بیکار تر درندو بارونو لاندی کژه شویده، دهیواد دکارګرانو وضع هم تر بزګرانو ښه نده. کسب ګران دژوند دلکښنو نو ورختروړخی زیاتیدو، دنر خو نودلوړیدو، دقاچاقی تجارت د پراخیدو اونه حمایه کیدو له کبله له ژوند نه لیژی او دهیواد د فقیرانو او پرولتاریا

له صفونوسره یوځای کیژی. دهیواد ښځی و منځنیو پیړیو په دود، دبشر ود حقوقو داعلامیی په ضد له هرډول انسانی حقوقو او آزادیو څخه محرومی دی، دخپل سرنوشت دتاکلو حق نلری او د ځارویو په څیر پلورل کیژی.

کله چه موژدخلکو دژوند لنډاو غمجن تصویر وړاندی کووهیله لرو چه موژ په بدبینی‌اومنفی بافی متهم نکړی. دا واقعیت دی اوواقعیت پخپله ددی حقیقت شاهد دی چه په لنډه توګه بیان شو. موژ واقیعیت نه نفی کوو. موژمنو چه په هیواد کی قانون شته دی او په هغه کی یو لږدموکراتیک ارزښتونه درج شویدی، مګر دا هم حقیقت دی چهدهیواد ارتجاعی حاکمه محافل دضد دموکراتیک و فرعی قوانینو دوضع کولو له لاری کوشش کوی چه داساسی قانون دموکراتیک ارزښتونه تر ممکنی اندازی پوری محدود ګاندی. موژ انکار نه کوو چه زموژ په هیواد کی دموکراسی اعلان شویده، مګر څنګه دموکراسی؟

داسی دموکراسی چه په هغه کی یی لیوان اووری دواړه آزاد ګړیدی او دهغی نوم یی آزادی ایښی دی. پدی صورت کی دکار پای دهغه له شروع نه معلوم دی اوهر څوکپوهیژی چه په داسی وضعیت کی نتیجه دچا په ګټه ده. کارګران اعتصاب کوی مګرکار فرمایان یی هم آزاد پری ایښی دی چه د اعتصاب کوونکو پرضد له تولوممکنو وسایلو نه، دحکومت دژاندارم او زندانونو په ګډون، کار واخلی، کارګران له کار نه وشړی، هغو ته دوسی جوړی کړی، ویی نیسی، ویی وهی او ددولت په محکموګاندی. د نوی اساسی قانون

له تدوین او توشیحنه ګلونه تیر شول خود ګوندونود تشکیل حق دګونود قانون دنشتوالی له کبله لا تر اوسه خلکو ته ندی ورکړ شوی او ګوره چه لاتر کله به ور نګړل شی.

موژ اعتراف کوو چه شکلا د مطبوعاتو آزادی شته ده، آزادو جریدو اوور ځپانو ته دخپریدو اجازه ور کول کیژی، پرچم هم له دی آزادی نه برخورداردی مګر له دی نه هم سترګی نشو پټولای چه دپرچم دتحدید او تهدید لپاره ځنګه له بیلو بیلو وسیلو نه کار اخیستل کیژی او ځنګه یی د هیواد دتوری ارتجاع ټول قوتونه ورشکالی دی ترڅوددستوری جراید و په وسیله له ښی او کینی خوانه پر هغه حمله وکړی او دهغه کار کوونکی په ډیره رذیلانه ټوګه وښکنځی اوراز راز تورونه پی وتپی. دبشر د حقوقو داعلامیی په ضد دهر ډول فکری تنور په خلاف دارتجاعی اوغیرانسانی عقایدواو نظریاتو دتشویق او لمسون دپاره، چهدبشر دحقوقو اعلامیه دهمدغو رذیلانه اووحشیانه نظریاتودشکست په اساس تکامل کړیدی، زمینه برابره کاندی. بی محاکمی بندونه، او دترلیودروازو ترشا محاکمی، دمتهمینو ربړول اوجسمانی تعذیب اود انسانی کرامت ضد سلګونه اعمال، داسی قانون دارزښتونو په خلاف، حدود او پوله نلری. رشوت او ارتشا، دسیسه او دروغ دکارو نو د اجراءاومقامونو ته درسیدووسایل ګرزیدلی دی. دهیواد دو ګړو دحقوقو او آزادیو ددی ناوړه وضعی په اوخ کی دبشر دحقوقو داعلامیی دورځی دلمانځنی خبری واقعآ ستر جسارت دی.

س : کشتمند

پراگنده‌گی و بی‌نظمی امور ترانسپورتی
در کشور

وضع ترانسپورت افغانستان مانند هر کشور دیگری منعکس کننده روابط اجتماعی اقتصادی است. بدین جهت رشد امور ترانسپورتی پروسه‌ای مجرد و متکی به خود بوده نمی‌تواند، بلکه با تکامل اقتصادی جامعه به‌طور کلی ارتباط دارد. بنا بر تسلط طولانی فرتوت فئودالی و استبداد شرقی در کشور که مانع پدید آمدن تغییرات بنیادی در مناسبات اجتماعی و رشد سریع نیروهای تولیدی و موجب عقب ماندگی اقتصادی گردیده، امور ترانسپورتی نیز از لحاظ وسایل، تسهیلات و اداره همه جانبه رشد و تکامل نکرده است.

افغانستان یکی از کشور معدود جهان است که تا حدودی به علت وجود کوه‌های متقاطع و ناهمواری‌های فراوان سر زمین خود ولی عمدتاً به علت نفوذ استعمار و امپریالیزم. مسلط بودن طبقات حاکمهٔ ارتجاعی در تمام شئون حیاتی جامعهٔ ما و حکومت غیر ملی که نتیجهٔ آن عدم رشد اقتصادی و قلت حجم اموال و اشیاء قابل انتقال از یک محل به محل دیگری، فقدان تعداد کافی مسافر و غیره می‌باشد از داشتن خطوط آهن که وسیله عمده و اساسی و ارزان ترانسپورتی است تا کنون محروم بوده، عدم موجودیت آن، مانع رشد نیروهای تولیدی در بسا مناطق کشور که دارای منابع و ذخایر سرشار طبیعی می‌باشد، گردیده است. ترانسپورت از طرق و شوارع آبی که یکی از رایج‌ترین و ارزان‌ترین نوع ترانسپورت در جهان می‌باشد، برای مردم ما مسیر نیست. از دریاهایی که تا حدودی آمادهٔ کشتی رانی و لو به پیمانهٔ کوچک می‌باشد. هیچگونه استفاده نگردیده، مفکورهٔ آماده ساختن بعضی دریاها و حفر کانال‌ها به‌منظور انجام فعالیت ترانسپورتی اصلاً طرح نشده است. ترانسپورت فضائی به مقیاس خیلی محدودی صورت می‌گیرد و این نوع ترانسپورت متأسفانه تا کنون با وضع فوق‌العاده اسفبار اقتصاد جامعهٔ ما و سطح نازل زندگی مردم ما تناسبی بهم نمی‌رساند و علی هذاالقیاس. پس در چنین اوضاع و احوال یگانه وسیله اساسی ترانسپورت در افغانستان موتر و راه‌های موتررو می‌باشد. هیأت حاکمه افغانستان در قبال شرایط نوینی که در جهان و جامعهٔ ما پدید آمده بود و در برابر مبارزات و خواست‌های مردم جهت تأمین حد اقل تسهیلات اجتماعی مجبور گردید که چند سال قبل دست به طرح و تنظیم پلان‌های رشد اقتصادی بزند. در اثر تغیر نسبی ایکه ناگزیر در نیروهای تولید و روابط اجتماعی طی دو پلان پنج‌ساله به وجود آمد، در امور ترانسپورتی نیز تغییراتی رونما گردید. سرک‌های عصری موتر رو که با بکار انداختن منابع محدود مالی داخلی و استفاده از کمک‌های خارجی ایجاد گردید به‌صورت متقابله بر رشد نیروهای تولیدی تأثیر افگند.

با احداث سرک‌های اسفالت شده حجم اموال قابل انتقال افزایش یافت که این افزایش لزوم تنظیم و اصلاح فعالیت‌های ترانسپورتی بدست آوردن ثمرهٔ نهائی از سرمایه گذاری‌های هنگفت در ساختمان سرک‌ها می‌باشد. لازم است تا در مورد آنکه چرا از فعالیت‌های موجود ترانسپورتی کمتر ثمر بدست می‌آید و چه نواقصی در امور ترانسپورتی کشور وجود دارد، توضیحاتی ارائه گردد: همه می‌دانند که نخست اموال از منابع اصلی به نقاط تجمع آن جمع آوری می‌گردد یعنی از منابع اولی، اموال به‌وسیله راه‌ها و سرک‌های متعدد فرعی و محلی جمع گردیده و دریکی از نقاط مرکزی سرک اصلی غرض حمل و نقل انتقال می‌یابد. ولی از یکسو سرک‌ها و راه‌های محلی در افغانستان خیلی‌ها ناقص بوده بین بسیاری مناطق از طریق احداث سرک‌ها تا کنون ارتباط تأمین نگردیده است و از سوی دیگر وسایل و تجهیزات ترانسپورتی لازم برای حمل و نقل اموال آماده شده و هنوز به‌طور وسیعی از مرکب، قاطر، شتر و غیره و همچنین دوش و باز وی انسان برای این امر استفاده به عمل می‌آید که بدین‌وسیله مقدار کافی اموال از محلات مختلف انتقال نمی‌یابد و سرعت لازم در حمل و نقل آن میسر نمی‌گردد. همچنان انتقال اموال مورد ضرورت مردم و گذاشتن آن به دسترس استفاده کنندگان نیز در مناطق مختلف بخصوص مناطق دور افتاده، بنا بر علل فوق تأخیر و تقلیل به وجود می‌آید. بدین ترتیب قیمت تمام شد اموال نسبت پراگنده‌گی مناطق و مرکزیت اموال و هم نسبت محدودیت مقدار آن، بالا می‌رود.

- وسایل ترانسپورتی که در سرک‌های اساسی مورد استفاده قرار می‌گیرد غالباً از لحاظ قدرت، ظرفیت، اقتصادی نمی‌باشد. در حالی که موجودیت سرک‌های عصری و مجهز امکانات آن را به وجود آورده است که مقادیرزیاد و ثقیل الوزن اموال از فاصله های دور، در زمانی بالنسبه کوتاه با استفاده از عراده جات دارای ظرفیت های بزرگتر در بین نواحی اقتصادی و مهمترین مراکز معدنی و صنعتی انتقال داده شود.

-موجودیت شرکت‌های خصوصی متعدد ترانسپورتی و موتردران انفرادی، باعث آن گردیده است که انواع مختلف موتر غالباًبه ظرفیت های پائی بکار انداخته شود. این امر مشکلات متعددی را از لحاظ تهیه پرزه‌جات، خدمات ترمیماتی و غیره به وجود آورده است که ترمیم، مراقبت و نگهداشت تمام انواع عراده جات از لحاظ تخنیکی عملاً ناممکن گردیده، بنا بر آن عدم موجودیت یک پلان معین برای بکار انداختن اقتصادی ترین نوع موتر ها و عدم کنترول بر توزید انواع متعدد موتر باعث زیان اقتصادی و مصارف اضافی می‌گردد.

عدم استفادهٔ کامل از ظرفیت های وسایل نقلیه و عدم توجه در بهتر ساختن و بدست آوردن وسایل بهتر ترانسپورتی در پروژه ها و مؤسسات، موجب ضایعات اقتصادی گردیده، قیمت تمام شد آن‌ها بالا می‌رود.

- باوجود اینکه راه‌های موتر رو عصری امکانات آن را به وجود آورده است که از طریق ترانسپورت اموال، تغییراتی اساسی به وجود آید، اما هنوز از همان طرق سابقه و معمول استفاده می‌گردد؛ مثلاً با قبول سیستیم ریلی در انتقال اموال می‌توان تسهیلات زیادی را در امور ترانسپورتی به عمل آورد. ازین قرار که در عقب موترهای نیرومند چندین تریلر بسته شده، اموال توسط آن‌ها از یک مرکز به مرکز دیگری منتقل می‌گردد. سپس تریلرها در عقب موتر دیگری که آمادهٔ حرکت می‌باشد، نصب و به مرکز دیگری رسانیده می‌شود و به همین ترتیب. با استفاده ازین وسیله سرعت در کار به وجود آمده، اموال بدون معطلی به حرکت می‌افتند و مطابق به هر قسمت سرک موتر انتخاب می‌شود؛ مثلاً چند تریلر اموال را یک موتر دارای قدرت کمتر می‌تواند در سرک هموار از کابل تا جبل السراج بکشد و یک موتر دارای قدرت بزرگتر آن را از جبل السراج تا خنجان انتقال بدهد و به همین ترتیب.

بر اساس سیستم ریلی در مورد اجرای فعالیت‌های ترانسپورتی چنین پیش بینی می‌گردد که موتران بتواند در ظرف یک روز اموال را از یک مرکز تا مرکز دیگری رسانیده و اموال عوضی را تا مرکز اولی برگرداند. بدین ترتیب جریان انتقال اموال به‌صورت مستدام و بدون وقفه به عمل می‌آید، ضرورت پرداخت سفر خرج و اضافه کاری از بین رفته و فعالیت‌های عراده جات زیر نظارت مداوم تخنیکی قرار می‌گیرد.

- در افغانستان هنوز شرایط تخنیکی برای بهره برداری و نگهداشت عراده جات طوری که لازم است موجود نبوده آزمایش‌ها و ترمیمات اساسی که از ضایعات عناصر مهم ماشین جلوگیری می‌کند، به عمل نمی‌آید. از چندین ورکشاپ مجهز ترمیم عراده جات به‌خصوص کارخانه جات جنگلک استفاده لازم صورت نمی‌گیرد. استفاده از ورکشاپ های خصوصی و دستگاه‌های کوچک انفرادی به علت نداشتن وسایل، تجارب و مهارت کافی و پرزه‌جات فالتو، غالباً موجب استهلاک سریع ماشین می‌گردد. مراقبت از جریان کار تخنیکی پرزه‌جات بسیار ابتدایی بوده و بدین جهت اکثر عراده جات فعال در حین اجرای وظیفه از فعالیت می‌افتند. بدین ترتیب عراده جات فعال در افغانستان به‌طور کلی قبل از وقت از کار مانده و طبق اساسات و معیارهای تخنیکی خود به‌اندازه لازمه گردش نمی‌نمایند.

- از وجود هزاران کارگر ماهر بیکار در کشور از یکطرف از امور ترانسپورتی و خدمات ترمیماتی استفادهٔ لازم به عمل نمی‌آید و از طرف دیگر در مورد تربیه دریوران تسهیلات لازم میسر نیست و حد اقل معلومات تخنیکی به دسترس ایشان گذاشته نمی‌شود، بدین ترتیب عراده جات بدست اشخاص غیر ماهر و بدون مراقبت فنی بگردش می‌افتد که این امر موجب مصرف زیاد مالی و وارد آمدن خسارات در پرزه‌جات و ماشین می‌گردد.

با شمارش نواقص عمده بالا در امور ترانسپورتی می‌توان به این نتیجه رسید که تشکل و ادارهٔ فعالیت‌های ترانسپورتی با نیازمندی‌های روز افزون رشد اقتصادی و اجتماعی کشور مطابقت ندارد.

انجام قسمت اعظم فعالیت‌های ترانسپورتی – انتقال مسافرین و اموال –چون توسط شرکت‌های خصوصی و موتر داران انفرادی به‌منظور تأمین سود هرچه بیشتر به عمل می‌آید، بنا بر آن غالباً منافع مردم و جامعه قربان منافع آزمندانهٔ آن‌ها می‌گردد. نمونهٔ زنده و مشخص آن وضع نابسامان و شرم آور بس‌های شهری است. در حالی که منافع عمده را از احداث سرک‌های اساسی به مصرف توده‌های وسیع مردم عمدتاً این‌ها بدست می‌آورند اما هرگز برای فراهم آوردن تسهیلات لازم ترانسپورتی اقدام نمایند با وصف اینکه با ایجاد سرک‌های عصری و اسفالت شده تمام شد انتقال اموال و مسافرین کاهش می‌پذیرد. (طوری که محاسبه گردیده است میزان این کاهش به‌اندازه ۱۵ الی ۲۰ فیصد است و از قرار تخمین می‌شود که به‌تنهایی با احداث سرک کابل شیرخان بندر، از طریق سالنگ طی یک سال به‌اندازه ۵۰ ملیون افغانی صرفه می‌گردد).

ولی از ابتدای امر تا کنون نرخ‌های حمل و نقل و بخصوص کرایه مسافرین (صرف نظر ازدیاد نفوس و افزایش در تعداد مسافرین) همان‌طور بلند باقی مانده است. عدم موجودیت هیچگونه کنترول دولتی در تعیین نرخ‌های حمل و نقل و کرایه‌ها، همچنین فقدان انواع دیگر وسایل و تسهیلات ترانسپورتی، موقعیت انحصاری را به نفع صاحبان خصوصی وسایل نقلیاتی ایجاد کرده است.

از آنجائی که مؤسسات خصوصی ترانسپورتی از یکسو توان و جرأت سرمایه گذاری‌های خیلی بزرگ را جهت بکار انداختن وسایل نقلیه بزرگ و اقتصادی و معرفی سیستم جدید و با صرافه ترانسپورتی ندارند و از سوی دیگر هرگاه این امکانات برای یکی دو موسسه بزرگ فراهم باشد، وضع انحصاری ایجاد خواهد شد که بیش از پیش بزیان تمام می‌شود. لذا منافع و مصالح توده‌های عظیم مردم حکم می‌نماید که وسایل عمدهٔ ترانسپورتی ملی گردد.

در شرایط ایجاد حکومت دموکراتیک و ملی درین مرحله تاریخی است که ترانسپورت نقش قابل ملاحظهٔ خود را در افزایش حجم تولید اجتماعی، در ساختمان اقتصادی جامعه در امر صنعتی ساختن کشور و رشد زراعت تجارت و غیره ایفاء می‌نماید. در انجام امور اقتصادی و حمل و نقل اموال سرعت و تسهیلات لازم به وجود می‌آید. ارتباط مداوم بین تمام رشته‌های صنایع علاوه بر مناطق اقتصادی و تأمین نیازمندی‌های ضروری مردم کمک می‌شود. وسایل نقلیه طرف استفادهٔ بهتر قرار می‌گیرد. خدمات ترانسپورتی برای مسافرین بهبودی حاصل می‌نماید؛ و سرعت‌ها افزایش می‌یابد. در کنار ساختمان سرک‌های عمده و اساسی، در مورد احداث سرک‌های محلی که نقش مهمی جهت تأمین ارتباط مناطق جداگانه با مراکز اداری، مدنی و صنعتی کشور و استفاده از منابع غنی کشور دارد، اقدامات اساسی به عمل می‌آید. ایجاد خطوط آهن در امور اقتصاد ملی میسر می‌گردد.

مؤجز اینکه در تحت چنین شرایط است که ترانسپورت نقش خود را در تکامل اقتصادی و اجتماعی جامعه ایفاء می‌نماید و به‌صورت متقابله رشد سریع نیروهای تولیدی، موجب بلند رفتن معیارهای تخنیکی در امور ترانسپورتی، فراهم آمدن زمینه برای تسهیلات و تجهیزات ترانسپورتی و تأمین اهداف ترانسپورتی می‌گردد.

از (ص ۲)

حقوق اقتصادی و اجتماعی ...

به‌صورت طبقه‌ای متشکل گردید. طبقه کارگر فرانسه در آن دوران به‌شدت وحشیانه‌ای مورد استثمار قرار می‌گرفت و وضع اسفباری داشت. در قیام‌های بعدی بورژوازی که به‌منظور استحکام موقعیت و استقرار بورژوازی صورت گرفت، نیروی محرکهٔ اصلی آن‌ها را طبقه کارگر فرانسه تشکیل می‌داد و به همین علت طی چند نسل عادات انقلابی در میان کارگران رسوخ یافت و یک سلسله از اعتصاب‌های کارگران در قرن نزدهم مبدل به قیام‌های مسلحانه گردید. تعدادی ازین قیام‌های مسلحانهٔ کارگران در تاریخ نهضت کارگری فرانسه جای مهمی را اشغال می‌نماید. از آن جمله است: قیام کارگران لیون در سال‌های ۳۰ قرن ۱۹، قیام کارگران در انقلاب ۱۸۴۸ و تشکیل کمون پاریس در سال ۱۸۷۱. در سال ۱۸۳۷ سازمان کارگری بنام »جمعیت موسم‌های سال «به رهبری آگوست بلانکی تشکیل شد.

طبقه کارگر فرانسه پس از مبارزات طولانی بالاخره توانستند در سال ۱۹۶۸ به تأسیس سندیکاهای کارگری دست زنند. سندیکاهای کارگری فرانسه پس از آن رشد بیشتری یافت و توانست پس با متحد ساختن سندیکاهای کوچک در ولایات و سپس در تمام کشور، کارگران فرانسه را در اتحادیه‌های صنفی متشکل سازد. اکنون در فرانسه سه سازمان سندیکائی کارگری وجود دارد که در موارد لازم باهم همکاری می‌نمایند.

در آلمان: کارگران صنعتی در آلمان خیلی دیرتر از انگلستان و فرانسه -در اوایل قرن نزدهم پدید آمدند و علت اساسی آن‌هم این بود که رشد اقتصادی –اجتماعی آلمان بر اثر نبودن دولت واحد و وجود روابط فئودال کندتر از کشورهای نامبرده صورت می‌گرفت. در آلمان ستم فئودالی و سرمایه‌داری توأما تودهٔ کارگران را تحت فشار قرار می‌داد.

وضع طاقت‌فرسای کارگران سبب گردید که در سال ۱۸۴۲ برای نخستین بار قیام کارگران بافنده سلیزی به وقوع به پیوندد. درین قیام که منجر به زد و خورد مسلحانه گردید بیش از بیست نفر کارگر کشته و یا شدیداً زخمی شدند. این قیم سرآغاز یک سلسله قیام‌های دیگر کارگری، بخصوص قیام‌های سال‌های ۴۹-۱۸۴۸ بود

اولین سازمان‌های کارگری آلمان در سال‌های ۳۰ و ۴۰ قرن نزدهم به‌صورت صندوق‌های تعاونی مشترک به وجود آمد. در همین دوره اتحادیه‌های فرهنگی نیز تشکیل شد و این امر باعث آن شد که کارگران از وضع یکدیگر بهتر خبر شوند و راه‌های بهتری برای مبارزه پیدا کنند. مهمترین سازمان‌های سیاسی کارگری آلمان در اثر اختناق و فشار شدید پولیسی در خارج از آن کشور در سال ۱۸۳۶ بنام »اتحادیه عدالت خواهان «در پاریس تشکیل شد. در سال ۱۸۳۹-اعضای این اتحادیه از فرانسه تبعید شدند و اتحادیه به لندن منتقل گردید. در سال ۱۸۴۷ در کنگره لندن »اتحادیه عدالت خواهان« تبدیل گردید و هدف خود سرنگون ساختن جامعهٔ سرمایه‌داری، برقراری حاکمیت کارگری، از بین بردن تضادهای جامعهٔ سرمایه‌داری و تشکیل جامعهٔ بدون طبقات را قرارداد.

کنگرهٔ دوم این »اتحادیه «در اواخر همان سال ۱۸۴۸ در لندن برگزار گردید و در آن نماینده‌گان آگاه و پیش‌آهنگ کارگری از آلمان، فرانسه، انگلستان، بلژیک، سویس، پولند و یک سلسله از کشورهای دیگر شرکت کردند.

در سال‌های ۶۰ قرن گذشته نهضت اعتصابی شهرهای بزرگی نظیر برلین، هامبورگ و لایبزیک را فرا گرفت. امواج اعتصاب‌های عظیم موجب توسعه سازمان‌های کارگری گردید. در سال‌های بعدی جنبش اتحادیه‌ای و سازمان‌های سیاسی طبقه ر کارگر در آلمان رشد و استحکام بیشتری یافت و آلمان بیکی از مراکز اصلی جنبش کارگری تبدیل گردید. پس از جنگ جهانی دوم که در آلمان دو دولت تشکیل گردید، در جمهوریت دموکراتیک آلمان بیش از شش ملیون کارگر در اتحادیهٔ آزاد کارگری متشکل گردیده‌اند. در حالی که در جمهوریت فدرال آلمان غالب رهبران اتحادیه رویه اپورتونیستی را در پیش گرفته‌اند. باوجود این اتحادیه‌های آلمان غربی نیز در موارد زیادی نقش مترقی بازی می‌کنند.

(باقی دارد)

از (ص اول)

رد شایعات زهرآگین ...

را به زمین بگذارند. بنا بر آن با درک ماهیت پلید اینگونه تبلیغات دستگاه حاکمه پاکستان، به این هواداران باوفای استعمار کهن و منادیان استعمار جدید و امپریالیزم با بانگ رسا میگوییم شما که خود را دایه مهربان تراز مادر برای خلق‌های نجیب افغانستان می‌تراشید و با قیافه‌های ظاهراً بشر دوستانه همدردی (!) خود را به خلق‌های دلیر و زحمتکش افغانستان خاصتاً خلق باشهامت بلوچ ابراز می‌دارید، پس چرا اندک سر به گریبان خود فرو نمی‌برید؟ چرا توطئه‌های بی‌شرمانه‌تان را در برابر جنبش آزادی بخش ملی خلق‌های پشتون، بلوچ، سند و بنگال به راه می‌اندازید؟ چرا حقوق و آزادی‌های دموکراتیک خلق‌های پشتونستان و پاکستان را خلاف ارزش‌های دموکراسی و اعلامیه حقوق بشر و منشور ملل متحد پامال می‌نمایید؟ چرا رهبران نشنل عوام پارتی خان عبدالولی خان، اجمل خٹک، عبدالصمد خان، محمد حسین عنقا، شهزاده عبدالکریم، غوث بخش بزنجو، در محابس استعماری پاکستان بسر می‌برند؟

چرا درهای پوهنتون‌ها را می‌بندید؟ و چرا جنبش‌های دموکراتیک کارگران و محصلان وطن‌پرست و آزادیخواه را در پشتونستان و پاکستان به‌زور سر نیزه پولیس، به وسایل گاز اشک آور ضرب گلوله و آتش سر کوب می‌نمایید؟ در نهایت چرا زنجیرهای اسارت پیمان‌های تجاوزکارانه نظامی و سیاسی سنتو و سیتو را بر گردن و دست و پای خلق‌های پاکستان و پشتونستان می‌بندید و نمی‌گزارید مردم پشتونستان و پاکستان از استقلال کامل ملی برخوردار شوند؟

هیأت حاکمه پاکستان و دستگاه‌های تبلیغاتی آن، باید به‌درستی بدانند که مردم افغانستان در حال حاضر بیش از هر وقت دیگر، هوشیاری سیاسی پیدا کرده‌اند و بین دوست و دشمن خود مرز دقیقی کشیده‌اند و دیگر نیرنگ‌های استعمار کهن و نوین و تبلیغات زهرآگین آن‌ها در مغز خلق‌های وطن‌پرست نفوذ نمی‌کند و حتی حاضر به شنیدن آن نمی‌باشند.

همچنین هیأت حاکمه پاکستان باید بداند که هنگامی‌که ما پرچمداران دموکراتیک خلق روی دردها، مسایل عمومی ملی، نیازمندی‌ها و رنج‌های خلق وطن محبوب خود انگشت انتقاد می‌گذاریم، معنی آن این نیست که گویی خلق‌های پشتون و بلوچ در تحت سلطه استعمار پاکستان، در شرایط بهتر و در کمال رفاه و آسایش، بدون هیچگونه رنج و مصیبت زندگانی می‌نمایند و از همه حقوق و آزادی‌های دموکراتیک برخوردار می‌باشند.

ما به حکومت ضد ملی و استبدادی پاکستان و بلند گویان زرخرید آن هرگز اجازه نمی‌دهیم که نظرات انتقادی ما را به نفع سیاست استعماری خویش قلب ماهیت نموده تحریف و به‌غلط توجیه نمایند و بدین وسیله نیت شوم و پلید استعماری و تجاوز کارانه خویش را تحقق بخشند و ازین را از یکطرف توجه جهانیان و خلق‌های پاکستان را از مبارزات آزادی‌خواهانه مردم پشتونستان و بلوچستان به‌سوی دیگر معطوف سازند و از طرف دیگر نشرات »جریده ملی پرچم «را که سلاح بزرگ دفاع از منافع خلق‌های افغانستان، تمامیت ارضی و استقلال ملی کشور ما و ترجمان فصیح آرمان‌های پیشرو خلق‌های پشتونستان و موئید جنبش آزادی‌بخش ملی و ضد امپریالیستی و ضد فیودالی سراسر جهان می‌باشد به مشکلات و موانع مواجه سازند؛ و به‌صورت غیرمستقیم وظیفه بین‌المللی خود را به نفع ارتجاع و امپریالیزم بین‌المللی و اختناق جنبش ملی و دموکراتیک ضد امپریالیستی افغانستان انجام دهند.

ما با درک این حقیقت تمام شایعات نادرست و استعماری پاکستان را به حیث پایگاه امپریالیزم و ارتجاع در مورد افغانستان و مسایل مربوط به مردم افغانستان از ریشه رد می‌نماییم و از آن نفرت داریم.

زنجیر پرچم - کنسیون پرچم ایران انتایی کنید پرچم مارکس را بر زمین نگذاشته اند

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک افکارو خپروونکی

۱۸ قوس ۱۳۴۷

رویدادهای مهم

جهان در هفته گذشته

در شرق میانه:

بعد از آنکه فروش طیارات جت جنگی نوع «فانتوم ۴» امریکا بالای اسرائیل به مرحله قطعیت رسید، تجاوزات هوائی اسرائیل بر خاک کشور غربی، بخصوص اردن، شدت اختیار نمود. چنانچه در هفته گذشته چندین بار مواضع نظامی، دهات و مراکز مسکونی را در شرق دریای اردن بشدت بمباران کرد و دهها نفر طفل، زن و پیر مرد را به قتل رسانید و خسارات زیاد مالی وارد نمود این تجاوزات عریان و بی‌پرده بود که گوناری یا رینگ نماینده مخصوص ملل متحد را سخت خشمگین ساخت و مسؤولیت عواقب وخیم این تجاوزات وحشیانه را بدوش اسرائیل انداخت. پارلمان اردن حکومت امریکا را نسبت به فروش طیارات جنگی به اسرائیل ملزم قرار داده، این عمل او را دشمنی با اعراب تلقی نمود.

بالاخره معلوم شد که مظاهرات اخیر در جمهوریت متحد عربی که از پوهنځی شرعیات در منصوره نشأت نمود و به دیگر پوهنتون‌های آن کشور در سکندریه و قاهره سرایت کرد و باعث قتل ۱۶ نفر محصل و بسته شدن پوهنتون‌ها گردید، در اثر تحریک شبکه جاسوسی اسرائیل که در رأس آن یک صاحب منصب عسکری جمهوریت متحد عربی بنام محمد حداد قرار داشت، صورت گرفته است.

زمامداران اسرائیل به اتکای امپریالیزم بین‌المللی با لجاجت اصرار می‌ورزند که حاضر نیستند مناطق اشغالی را ترک گویند، ولو به قیمت یک جنگ دیگر هم باشد.

مبارزات آزادیخواهان عرب در مناطق اشغالی کسب شدت نموده، خسارات قابل ملاحظه مالی و جانی به اشغالگران اسرائیل وارد می‌نمایند. از اوضاع چنین بر می‌آید که اگر اسرائیل و حامیان او به فیصله‌های شورای امنیت و افکار عامه جهان جواب مثبت ندهند و طرق حل سیاسی و مسالمت آمیز مسأله شرق میانه را مسدود نمایند، قوای خود را از مناطق اشغال شده بیرون نکشند و به تجاوزات خود بر کشورهای عربی خاتمه ندهند، وقوع یک جنگ دیگر در شرق میانه حتمی و قریب به نظر می‌آید که از جنگ سال گذشته شدیدتر، صحنه آن وسیع‌تر و عواقب آن وخیم‌تر خواهد بود.

از آن رو باید همه بشریت صلح خواه و کلیه نیروهای ضد مترقی و بشر دوست و ضد جنگ با تمام وسایل ممکنه بر اسرائیل و حامیان آن فشار وارد نمایند و آن‌ها را از عواقب خطیر اعمال تجاوزکارانه‌شان بر حذر سازند تا نشود که صلح جهانی ازین ناحیه متضرر گردد.

در عربستان جنوبی:

یمن جنوبی نخستین سال آزادی خود را جشن گرفت. رئیس جمهوریت مردم یمن جنوبی طی بیانیه‌یی اظهار داشت که علی رغم مشکلات زیادی که با آن مواجه بود، دولت یمن جنوبی درین مدت یک سال آزادی خویش یک سلسله کارهای مفید و با ثمری انجام داده است. رئیس جمهور یمن جنوبی ضمن تقدیر از کمک کشورهای سوسیالیستی، امریکا را باوجود موانع در راه ترقی و رسیدن به سوسیالیزم متهم نمود. وی گفت که عربستان سعودی بیک پایگاه امپریالیزم مبدل شده است. موصوف اظهار داشت که عربستان سعودی و امریکا درین تلاش مذبوحانه‌شان، ناکام خواهند شد.

در جنوب شرق آسیا:

بالاخره ویتنام جنوبی بعد از تعلل زیاد، اسمای هیأت اعزامی خود را به کنفرانس صلح پاریس اعلام نمود. رژیم سیگون سعی فراوان بخرد داد تا مذاکرات صلح پاریس را از راه این اصرار خود، که یگانه نماینده مردم ویتنام می‌باشد، سپوتاژ کند ولی نه رژیم سیگون و نه حامیان آن توانستند این حقیقت را که جبهۀ آزادی ملی ویتنام جنوبی از پشتیبانی همه جانبه مردم ویتنام جنوبی برخوردار است، پرده بیاندازد.

جنگ‌های داخلی ویتنام جنوبی بیش از هر وقت دیگر شدت اختیار نموده است، زدوخوردهای شدیدی در حوالی سیگون، بین قوای جبهه آزادی ملی و عساکر آمریکایی و رژیم سیگونی جریان دارد.

در جبهات دیگر نیز جنگ‌های شدیدی بین طرفین جاریست و تلفات سنگین مالی و جانی به هردو طرف وارد می‌گردد. طیارات امریکایی بار دیگر سرحدات کمبودیا را به‌شدت بمبارد نمود. جنگ‌های بین قوای رژیم سیگون و جبهه آزادی ملی در نزدیکی سرحدات کمبودیا در جریان است و گفته می‌شود که پارتیزان‌ها سه هلیکوپتر امریکایی را سقوط دادند. هکذا در جبهات دیگر چندین هلیکوپتر و طیاره امریکایی در ویتنام جنوبی سقوط داده شده است.

داکتر هوچیمن طی پیامی به جبهه آزادی ملی اظهار داشت که «مردم جهان شاهد پیروزی‌ها و جانبازی‌های شماست. دشمن در مقابل شما بەزانو در آمده است. امپریالیزم مجبور شد تا بمباران خود را در ویتنام شمالی قطع نماید. حالا با نمایندگان ویتنام شمالی و ویتکانگ‌ها داخل مذاکره شده‌اند ولی شما ای وطن‌پرستان واقعی تا معلوم شدن نتایج مذاکرات به ضربات هلاکت بار خود بالای دشمن ادامه دهید».

در پاکستان

حکومت پاکستان مجبور گردید که در اثر فشار مردم و محصلین به شمول برادر بوتو یک عده از محبوسین سیاسی را از حبس رها کند و قسماً به خواست‌های محصلان موافقه نماید، تظاهرات مردم پشتونستان و پاکستان برای رهایی رهبران حزب نشنل عوامی و الغای قوانین استعماری مناطق پشتونستان ادامه داشت. پولیس پاکستان در شهر پشاور، کویته و دیگر شهرهای پشتونستان از چوب و گاز اشک آور استفاده نمود. اوضاع در سراسر پشتونستان و پاکستان متشنج می‌باشد و حکومت پاکستان مذبوحانه تلاش می‌نماید که از وخیم شدن بحران فعلی جلوگیری نماید.

در ایتالیا:

اعتصابات بزرگ در سراسر ایتالیا جریان دارد، در یک اجتماع بزرگ که در آن یک ملیون نفر اشتراک ورزیده بود. به خانواده‌های دو نفر دهقانی که به قتل رسیده بودند ابراز تسلیت شد و عمل پولیس را شدیداً تقبیح نمودند. قرار اطلاع در چندین شهر دیگر ایتالیا بخصوص در شهر میلان زدوخوردهای دیگری نیز بین پولیس و مردم صورت گرفت و دهها تن مجروح شد. در روم و دیگر شهرهای ایتالیا مغازه‌ها، وسایط حمل و نقل شهری، کتابخانه‌ها سینماها، تیلفون و تلگراف و بنادر مسدود گردیده بود.

در امریکا:

بیست هزار کارگر برق نیویارک دست به اعتصاب زدند، کارگران ازدیاد معاش را مطالبه می‌نمودند. نسبت اعتصاب کارگران برق بسیاری از مردم نتوانستند به خانه‌های خود برگردند، تمام وسایل برقی خاموش بود.

در فرانسه:

سر از پنجشنبه ۱۴ قوس سی هزار کارگر فابریکه موتر سازی رینو علی الرغم اقدامات اضطراری حکومت فرانسه دست به اعتصاب زدند.

دوشیزگان تحصیلات عالی می‌خواهند

نامۀ سرگشاده متعلمات پښوونځی سوریا

نامۀ زیرین از طرف عدۀ متعلمات، به نماینده‌گی از سائر متعلمات پښوونځی متوسطء سوریا (واقع میرویس میدان) به جریدۀ پرچم واصل گردید است. آنان تقاضا کرده‌اند تا نامۀ ایشان را برای ارائه مطالبات شان و به غرض جلب حمایت افکار عامه در معرض نشر قرار دهیم. پرچم به تأسی از اصل »معارف برای همه «این نامه را ذیلاً در معرض نشر قرار می‌دهد:

با ادارۀ محترم جریدۀ پرچم!

از آنجائی که پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان همیشه در سنگر دفاع از حقوق زحمتکشان کشور ما قرار دارد و همواره خواست‌های صنفی قشرها و طبقات زحمتکش کشور ما را در صفحات خود منعکس می‌سازد، ما متعلمات مکتب متوسطء سوریا خو ست‌های صنفی خود را قرار ذیل به شما ارسال می‌داریم تا لطفاً با نشر آن در جریدۀ پرچم ما را ممنون سازید.

۱ــ مطالبه می‌کنیم که مکتب متوسطه سوریا به لیسه ارتقا داده شود.

۲ــ سیستم درسی و تعلیمات مترقی با وسایل مجهز در متوسطۀ سوریا تعمیم داده شود.

۳ــتعمیر پښوونځی به‌صورت اساسی ساخته شود.

ما متعلمات متوسطه سوریا از دو سال به این‌طرف چندین مرتبه عرایضی به وزارت معارف سپردیم ولی طبق معمول وعده فردا بما می‌دادند، فردایی که هرگز رسیدنی نبود. بالاخره در اواخر عقرب به همین مناسبت تمام متعلمات با اتفاق تام دست به اعتصاب چهارده روزه زدند.

وزارت معارف توسط تیلفون با نماینده متعلمات داخل مفاهمه شد و بعد از یک مذاکره حاضر گردید با مطالبات ما موافقه نماید، اما مشروط به اینکه ما از اعتصاب دست برداریم. ما موافقت کردیم و از اعتصاب دست کشیدیم.

دو روز بعد وقتی‌که وضع عادی شد عریضه‌یی که محتوی نکات موافقت فوق بود توسط نماینده‌گان خود به وزارت معارف سپردیم. وزارت معارف در مورد اعتصاب از اداره مکتب، توسط تیلفون معلومات خواست و ادارۀ پښوونځی اطمینان داد که متعلمات به صنوف خود مراجعه کرده و وضع کاملاً عادی است. وزارت معارف همین‌که از وضع اطمینان گرفت به‌صورت درشتی به مطالبات ما جواب منفی داد و متعاقباً شام همان روز تعطیل یک هفته‌ای مکاتب توسط رادیو اعلام کرد.

ازین که در مکتب سوریا فرزندان طبقات محروم و قسماً متوسط درس می‌خوانند به فیصدی محدود فارغ‌التحصیلات آن موقع داده می‌شود که در سائر لیسه ها به دروس عالی ادامه بدهند و متباقی با عطش بی‌پایان در عنفوان جوانی از کسب علم محروم می‌کردند و بدین‌وسیله مورد ضربت معنوی از طرف نظام کهن اجتماعی که بر مبنای منافع طبقات بالائی عمل می‌کند، قرار می‌گیریم.

ما جداً می‌خواهیم زمینۀ تحصیلات عالی برای خواهران ما فراهم گردد و متوسطۀ سوریا به لیسه ارتقا داده شود. توجه جدی مقامات مسؤول را با اقدامات لازم در زمینه جلب می‌کنیم.

«با احترام»

د اباسین سپیدې

سپیدی نوی چاولی وی چه اباسین ویده شوی دردونه راو پارول او د سباوون وژمی چه د سیند له مستو څپو را غبرګیدنی نا ویلی راژونه وسپرل.

پښتون بزګر دخپلی څپلی په مینځ کی د مهاجرو مرغانو کرنګهار له خوبه راپاڅاوه. سترګی یی ومښلی په ډډه شو اوبیا لکه دیربکیو لمبه ناڅاپی پخپل بستر کی و دریده. سترګی پرانیستلی. د آسمان په خټیځه څنډه کی یی نظر د سپیدو په سپینه پټاره ونښت. سره راتاو شو او یوه اوژده دمه یی واخیستله، سپیڅلی هوایی ویده قوتونه په مټو کی وخوځول. له خبر نه راووت، داباسین کوره کوره اولیونی څپی یی تر سترګو شوی، پاس یی وکتل د نیلی آسمان لویی او درنښت سخت ولرزاوه. د لوید یخ په څنډوکی یی دستور و په آزادو حدودو نظر ونښت اوناڅاپی یی ځانته پام شو، سترګی یی واوښی، رنګ یی بدل شو، شونډی دی ورپیدی، لاس یی واچاوه اودخپل کمیس کړیوان یی تر لمن پوری وشلاوه، غوشتل یی چه ځان د اباسین خو نریو څپو ته وسپاری او د سیند په آزاد و څپو کی داسارت شرموونکی ټاپی له خپلی لمنی څخه لری کاندی، مګر یوه نامعلومه احساس یی په شونډو باندی دیوی ترخی مسکا څپه وځغلوله، سترګی یی دسر په کاسه کی راوځرخیدی او شونډی یی په خو ځیدو شوی:

زه پدی سټری او بی حدوده نړی کی بندی شوی یم. زما سټرګی یی رڼدی کړیدی. زماپه لاسوکی یی کړی. چولی او زما په اوژویی درانده پیټی بار کړیدی. زه دبل لپاره اوسم او دبل لپاره به مرم.

لکه په شپی پسی چه ورځ راځی او لمر راخیژی، په اسارت پسی هم آزادی راځی، خودانسان د اسارت شپه د طبیعت تر شپی ډیره اوژده او ترخه ده!

اوس چه زما پهمټو کی ویده شوی قوتونه سر راپورته کوی، ګوندی دا تور ځنځیرونه به متیژی او د آزادی‌دلمو دختو وخت به را نیژدی شوی وی.

راوخیژه، ای مقدسه لمره راوخیژه!

پریژده چه زه دا داسارت تور ځنځیرونه پښو اولا سوکی مات کړم. پریژده چه په دی آزاده نړی کی آزاد واوسم، آزاد ژوند وکړم او آزاد مړشم.

(سلیمان لایق)

از (ص ۱)

اعترافات صدر اعظم و وزرا...

به قانون اساسی، حقوق و همچنان وظایفی دارند.)

سؤال: پس چرا عملاً حقوق مردم مطابق به قانون اساسی تأمین نمی‌شود؟

- «... همچنان در تطبیق احکام و قوانین نباید به هیچگونه تبعیض و امتیاز مجال داده شود.»

سؤال: پس چرا به تبعیض و امتیاز مجال داده می‌شود؟

- «... یگانه راه تأمین مصؤنیت درین مورد، تطبیق قانون مبری از هیچگونه تسامح و اهمال در آن می‌باشد.»

سؤال: پس چرا در تطبیق قانون تسامح و اهمال می‌شود؟

- «... برای جلوگیری از سؤاستفاده، اختلاس و رشوه و سهل انگاری مسؤولین امور مساعی جدی ما بکار است.»

سؤال: پس چی وقت مساعی جدی بکار برده می‌شود؟

- «...این حکومت آرزومند است به همکاری شورای محترم مردم کشور در پیکار در مقابل محتکرین و آنانی که به قیمت آسایش جامعه منافع شخصی و نامشروع خود را تضمین می‌کنند مطابق به قانون معامله نمایند».

سؤال: پس چرا مطابق به قانون معامله نمی‌گردد؟

- «... جریان و تحول امور کشور در ساحات مختلفه و لزوم بهبود انسجام آن به‌منظور تأمین سرعت و مؤثریت کارها ایجاب می‌کند، که تقسیمات امور بین وزارت خانه‌ها و تشکیلات اداری مورد تجدید نظر آمده درین مورد اصلاحات لازم عملی شود».

سؤال: چرا پس اصلاحات لازم عملی نمی‌شود؟

- «... در باره رفاه مأمورین و عمال دولت و مصؤنیت آینده مأموریت ایشان با در نظر گرفتن احکام قانون، حکومت سعی خواهد کرد که شرایط بهتر فراهم آید.»

سؤال: پس چی وقت این ادعا عملی می‌گردد؟

ـ «... این حکومت توازن معارف از لحاظ کمیت و کیفیت، پیشرفت موقعیت اجتماعی نسوان و همچنان مجادله با بی‌سوادی را از وظایف اساسی خود می‌داند».

سؤال: چه اقدام و ترتیبات لازم برای تطبیق این ادعا در نظر گرفته شده است؟

ـــ «... اید متذکر شد، لزوم تأدیه اقساط قروض خارجی به پیمانه وسیع‌تر از گذشته از یکطرف و عقب‌ماندگی انکشاف تولیدات از جانب دیگر مسایل دشوار و پیچیده اقتصادی و مالی را بمیان آورده، محتمل است در نتیجه آن تطبیق سومین پلان متأثر گردد...»

سؤال: چرا انکشاف تولیدات عقب مانده است؟ چرا مسایل دشوار و پیچیده اقتصادی و مالی بمیان آمده است؟

ـ« ... تزئید مواد ارتزاقی در ردیف اول احتیاجات کنونی قرار می‌گیرد. بنا برین در تزئید تولیدات صنعتی و زراعتی، خاصه استهلاک داخلی و در توسعه و اصلاح اقلام صادراتی تا حد توان سعی به عمل خواهد آمد».

سؤال: در راه تزئید مواد ارتزاقی و تولیدات صنعتی و زراعتی و اصلاح اقلام صادراتی چه سعی به عمل آمده است؟

ــ « ... فغانستان از مساعدت‌های ملی و فنی بی‌قید و شرط و بی شایبه کشورهای دوست حسن استقبال و آنچه درین مورد برای تطبیق پروژه‌های اولین و دومین پلان‌های پنج‌ساله افغانستان مورد استفاده آمده است موجب قدردانی ما می‌باشد... گرچه متوقعیم کشورهای دوست بیک پیمانه مؤثری به مساعدت خود ادامه خواهند داد، مگر باید آماده آن گردیم تحولات، اقتصادی ما داخل امکانات ضیق مالی و با تحمل عسرت و صرفه‌جویی‌های جدی و عمده صورت پذیر گردد».

سؤال: چه صرفه‌جویی‌های جدی و عمده به مقصد تحولات اقتصادی در چوکات دولت صورت گرفته است؟ در برابر ملیون‌ها افغانی تبذیر و اسراف و اختلاس از کیسه ملت چه تدابیری گرفته شده؟

(ادامه دارد)

پرچم

هره دوشنبه خپریږی

د تأسیس کال حوت ۱۳۴۶

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق

پته: زرلښت مارکیت محمد جان خان وات

د یوه ګڼه بیه ۲/۵۰ - افغانی

تایپ متن زلیخا پوپل، ویرایش: عمر فیض

مطبعه دولتی

په خوست کی مظاهره

د قوس په شپږم ورځ دخوست د لیسی هلکانو په داسی حال کی چه په امتحان ورکولو مصروف وو د ولایت دادارې د مستبدانه عمل په مقابل کی په مظاهره لاس پوری کړل. دمظاهری تفصیل به په راتلونکی ګڼه کی وړاندی شی.